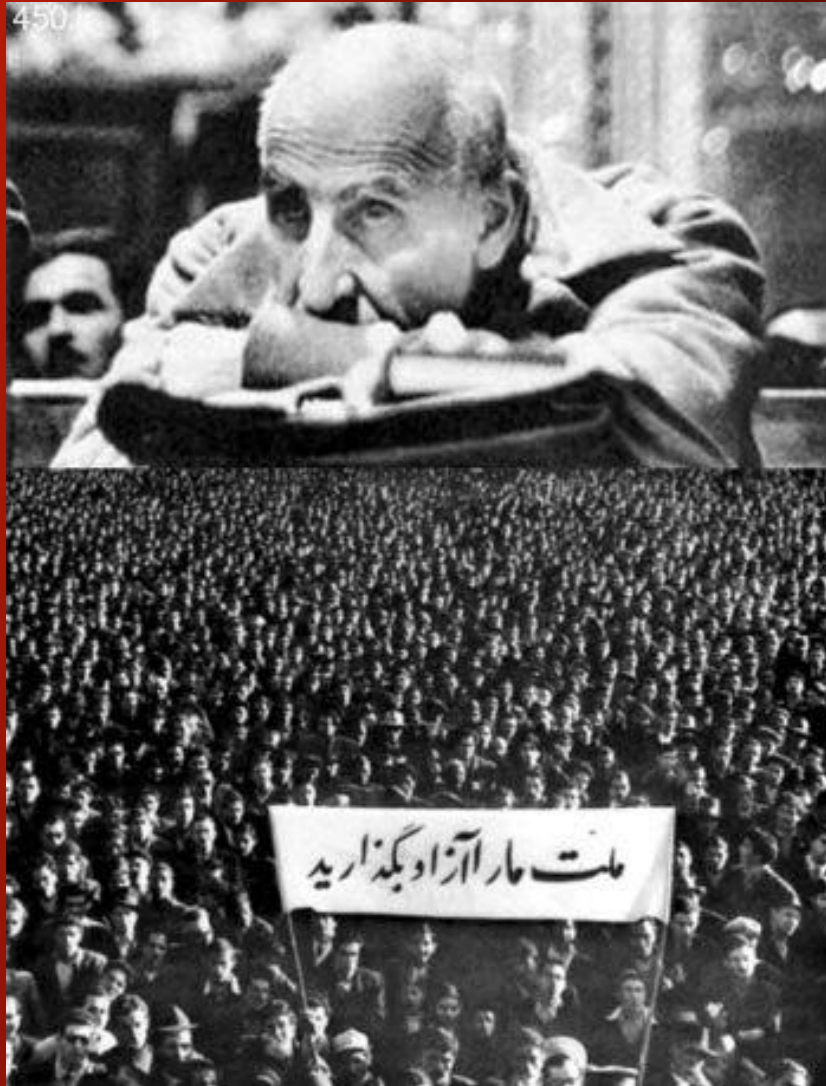


بیانیه تحلیلی - انتقادی جبهه ملی ایران

به مناسبت سومین سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی
اعتراض نسبت به بازتولید استبداد و رویدادهای زیان بار و خونین ۱۳۶۰
(بهمن ۱۳۶۰)



گویی فاجعه شدید و سهمگین است،
با این همه ملت پیروز خواهد شد.

انتشار بیانیه بهمن ۱۳۶۰
بازنشر بیانیه ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ خورشیدی -
کمیته انتشارات جبهه ملی ایران

پیشگفتاری بر بیانیه جبهه ملی ایران در بهمن ۱۳۶۰

جبهه ملی ایران از دوره افتخارآفرین نهضت ملی ایران، پرچمدار آزادی و استقلال، حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی بود. دست توانای اراده ملت توانست این نهضت را به رهبری دکتر محمد مصدق به ثمر رساند و با ملی کردن صنعت نفت ایران، نظام سلطه‌گر مبتنی سیطره استبداد داخلی و استیلای استعمار خارجی را واژگون سازد. دیری نپایید که دولت ملی دکتر مصدق با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط سه ابر قدرت با دستکاری دربار، بخشی از روحانیت و ارتش، اجامر و اوباش سرنگون شد. از فردای این کودتا، نهضت ملی، خود را در قالب نهضت مقاومت ملی ایران، با شعار «نهضت ادامه دارد» ساماندهی کرد. نهضت مقاومت ملی ضمن مقاومت و پیکار در برابر کودتا، اهداف کودتا و استبداد مطلق، رژیم دست‌نشانده را غیر مشروع می‌دانست. با نوزایی جبهه ملی ایران در سال ۱۳۳۹، تمامی دولت‌ها حتی دولت علی امینی را که مدعی مشروطه‌خواهی، آزادی و اصلاحات بود، مورد انتقاد قرار می‌داد و او را فریب‌کار می‌دانست. در کنگره جبهه ملی ایران در دی‌ماه ۱۳۴۱، جبهه ملی ایران، ضمن تأکید بر بازگشت به اصول قانون اساسی مشروطه، اعتباری بر رژیم پهلوی قائل نبود، زیرا بر این باور بود که رژیم دست‌نشانده که با همبستگی ابرقدرت‌ها، مجری کودتا علیه یک دولت ملی و قانونی می‌شود، مشروعیت ندارد. گرچه نگاه معتدل‌تری در بین برخی از هموندان بود که فکر می‌کردند که رعایت اصول قانون اساسی توسط هیأت حاکمه، زمینه اصلاحات و توسعه را برای کشور فراهم می‌کند. در حالی که به ماهی نکشید با همه‌پرسی انقلاب سفید در شش بهمن ۱۳۴۱، جبهه ملی ایران، به طور کلی همان اندک امید را از دست داد و بر این باور بود که هیأت حاکمه با نقض تمامی ارکان قانون اساسی، نظام مشروطیت را به طاق نسیان زده و حاکمیت ترور، وحشت، اختناق و خفقان مستبدانه‌اش را به ارمغان آورده است. شاید بیانیه «اصلاحات آری - دیکتاتوری نه» نسبت به برخی از بیانیه‌های ۱۳۵۷ رادیکال‌تر بنماید. جبهه ملی ایران سد راه استبداد و اصلاحات پوشالی شاه بود و در نهایت به بدترین شکل سرکوب شد.

جبهه ملی ایران در بهار ۱۳۵۶، پویش دوباره خود را آغاز کرد. در این مرحله این سازمان دیرپا با موضع‌گیری و روشنگری‌ها خود توانست یکی از پیشقراولان جنبش ملی مردم ایران باشد و رفته رفته نظام پادشاهی را مانع از تحقق حاکمیت ملی و نظام جمهوری را مترقی‌ترین نظام برای تحقق دموکراسی و حاکمیت ملی دانست. بنابراین از لحاظ تاریخی و نظری، جبهه ملی ایران یک سازمان جمهوری‌خواه در انقلاب ۱۳۵۷ بود. البته بسیاری از آرمان‌ها و شعارهای ملت و پیشگامان انقلاب، ریشه در اصول نهضت ملی و جبهه ملی ایران داشت.

بیانیه تحلیلی جبهه ملی ایران به تاریخ بهمن ماه ۱۳۶۰ از چنین انقلابی سخن می‌گوید و از آن ستایش می‌کند. اما مهمترین بخش این بیانیه که بدان سندیت تاریخی می‌دهد، بانگ اعتراضی است که نسبت به «بازسازی استبداد» که نمونه بارز و بی‌رحمانه آن در همان روزگار رخ داد، می‌باشد. بیانیه حاضر به درستی مکانیسم زایش انقلاب، به ضد انقلاب برای استقرار نظامی استبدادی را سنجش می‌کند.

پس از واژگونی نظام پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، حاکمیت با بحران‌سازی و بحران‌های دگرساخته به ویژه بحران‌گروگان‌گیری که زمینه‌ساز حمله رژیم بعثی به ایران زمین بود، رفته رفته استبداد گذشته را به شکل دیگری بازسازی کردند. جبهه ملی ایران از ابتدا، نه تنها به روشنگری و هشدار لازم در زمینه امکان برآمدن دوباره استبداد پرداخت که در مقابل آن مقاومت کرد.

خرداد ۱۳۶۰ هیأت حاکمه با شبیخونی خشونت‌بار، یک نظام اقتدارگرا را تثبیت کرد. بسیاری از سازمان‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی، به شکل گسترده حذف شدند. شوربختانه جبهه ملی ایران پیش از همه جریان‌ها سرکوب شد.

سومین سالگرد انقلاب ۱۳۵۷ با پیامدهای زیان‌بار و خونین خرداد ۱۳۶۰ همزمان شد. در ادامه امواج سنگین اعدام‌ها که از خرداد همان سال آغاز شده بود، بهمن‌ماه اوج آن اعدام‌ها بود. بیانیه تحلیلی حاضر ضمن تجلیل و یادآوری انقلاب ضد سلطنتی و ضد استبدادی، شرایط حاکم را ضد آرمان‌ها و اصول جمهوری‌خواهانه و دموکراتیک انقلاب ۵۷ می‌داند.

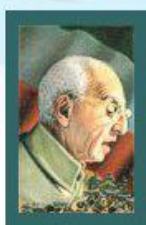
بیانیه تحلیلی جبهه ملی ایران در تاریخ بهمن‌ماه ۱۳۶۰ خورشیدی، سندی ارزنده در تاریخ سیاسی ایران محسوب می‌شود. بعد از ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ خورشیدی و اعلام ارتداد جبهه ملی ایران و برآمدن رویداد تلخ خرداد و رویدادهای پیوسته تابستان ۱۳۶۰ که همگی صفحات و صحنه‌های تاریکی از تاریخ ایران را ورق زد. البته این سال و این دهه آبستن رویدادهایی شد که در تاریخ استبدادی ایران نیازمند ارزیابی است. بنابراین بیانیه تحلیلی حاضر، بیانیه دلیرانه و درایت‌مندانه و از هر حیث واجد ارزش است. زیرا در آن بزنگاه هم جبهه ملی ایران و بیشتر جریان‌ها و نیروها سرکوب شده بودند و هم کشور وارد دوره اختناق و خفقانی شد که امکان انتشار چنین نقد و نظر و بیانیه‌هایی، آن هم به این شکل بنیادین و ریشه‌ای وجود نداشت. از همه مهم‌تر به‌رغم فضای خشونت‌بار، نویسندگان بیانیه عنان اختیار از کف نمی‌دهند، از ابزار و بیان نادرستی بهره نمی‌گیرند؛ بلکه ابزار نقد و بررسی بیانیه مبتنی بر خردگرایی، دموکراسی، مسالمت‌جویی و پرهیز از خشونت است. تأکید بیانیه تخطی نظام حاکم از اصول انقلاب یعنی آزادی و استقلال، جمهوریت و

حاکمیت ملی، حقوق ملی و عدالت اجتماعی است. ضمن این که همان طور که مشاهده خواهد شد؛ این بیانیه مملو از انتقاد به خشونت و سرکوب‌ها است.

در مورد موقعیت جبهه ملی ایران در زمان انتشار این بیانیه باید گفت؛ جلسه مشترک هیأت رهبری و هیأت اجرائیه در شامگاه ۲۴ خرداد ۱۳۶۰ با محوریت برگزاری گردهمایی جبهه ملی ایران در ۲۵ خرداد میدان فردوسی، در خانه زنده‌یاد «علی اردلان» برگزار شد. به رغم تهدید حاکمیت، اعضای هر دو هیأت، به اتفاق برگزاری گردهمایی را تصویب نهایی کردند. ضمن این که این دو هیأت با توجه به امکان سرکوب و اختناق، مصوبه‌ای تصویب کردند که به موجب آن در صورت اختناق و سرکوب شدید، مدیریت جبهه ملی ایران توسط زنده‌یادان «اصغر پارسا» (به عنوان قائم مقام هیأت رهبری) و «دکتر مسعود حجازی» (به عنوان قائم مقام هیأت اجرایی) صورت گیرد. پس از ۲۵ خرداد اعضای جبهه ملی ایران به آن صورت سرکوب شدند. گرچه زنده‌یادان دکتر مسعود حجازی و اصغر پارسا، به فاصله یک‌سال و نیم تا دو سال در دوره اختفاء، دستگیر شدند. اما پیش از دستگیری چندین بیانیه مهم منتشر کردند؛ بیانیه تحلیلی حاضر یکی از آن بیانیه‌ها است که در آن دوره خفقان عرضه شد.

۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۷

تهران - کمیته انتشارات جبهه ملی ایران



Jebhe Melli IRAN

جبهه ملی ایران

جبهه ملی ایران پیام می دهد گویی فاجعه شدید و سهمگین است، با این همه ملت پیروز خواهد شد.

بجای آن که دست بیافشانیم و پای بکوبیم، باید خون گریه کنیم!
بجای هلهله و شادی غبار وحشت و غم سراسر جامعه را فراگرفته است.
از هر خانه فروغ زندگی رخت بر بسته و در هر سرا پرتو حیات از نورافشانی بازایستاده
است.

گوئی جغد شوم در همه جا لانه گزیده و پرنده خوش آوای آزادی پر و بال ریخته است!
آری، بدینسان ملت ایران سومین سال انقلاب بزرگ را به پایان می برد و در سوگ بهترین
فرزندان دلاور میهن اشک می ریزد و از فاجعه بزرگی که در انقلاب ایران روی داده و به ماتم
نشسته است. فاجعه ای که انقلاب را به انحراف کشانده و به معنویت جامعه صدمات سنگینی
وارد آورده و ظرفیت مادی کشور و امکان زندگی بهتر و پیشرفت و ترقی را به نابودی
سپرده است.

سه سال پیش در چنین روزهای مردم ایران در برابر ظلم، فساد و حکومت استبداد قیام
کردند. هدف آنان در این مبارزه آزادی و استقلال بود که به دست آوردن آن جز از راه
برقراری حکومت ملت میسر نمی بود. برای نخستین بار در تاریخ ایران همه قشرها و طبقات
مردم بطور گسترده در مبارزه شرکت داشتند. روحانیون و عناصر مذهبی نیز بطور وسیع و
مؤثری در جهت تشویق و تجهیز مردم عمل می کردند. ولی پس از پیروزی انقلاب
گروه‌هایی از روحانیون و کسان دیگری که لباس مذهب بر تن کرده بودند، به راه دیگر
رفتند. اینان با بهره‌برداری از اعتقادات مذهبی بعضی از مردم و بطور کلی با سوءاستفاده
از ناآگاهی قشرهایی از ملت، مقدمات حکومت استبدادی دیگری را تحت عنوان مذهب
فراهم آوردند و یک حکومت ترور، وحشت، خفقان و سانسور همراه با هرج و مرج،
برهم ریختگی، بی نظمی و ناامنی برپا داشتند.

اصولاً هیچ قانون و هیچ بیان یا شعار و نطقی که روحانیون حاکم تدوین و تصویب و یا اعلام و
یا اظهار کرده باشند در برابر اعمال و امیال آنان قابل استناد نیست و همه آنها در هر لحظه
بعنوان ضرورت یعنی ضرورت حکومت و قدرت شخصی ایشان زیرپا گذاشته می شود.

چنانچه اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان را ندیده گرفته و در هر زمان و به هر ترتیبی که خواسته‌اند، عمل کرده‌اند. به همین دلیل ما بارها اعلام داشته‌ایم که هیأت حاکمه فعلی ایران صرف‌نظر از سایر جهات بلکه فقط از این جهت نیز که مقررات قانون اساسی را که خود تدوین و تصویب و تنفیذ کرده و مشروع محسوب نمی‌شود. ولی عدم مشروعیت هیأت حاکمه فعلی تنها به علت تخلف از مقررات قانون اساسی مورد قبول خودشان محدود نمی‌شود. این هیئت حاکمه، در راه برقراری حکومت و تأمین موجبات تسلط خود به ناپود کردن ارزش‌های موجود در جامعه زده است. چه از نظر معنوی، چه از نظر مادی و چه از نظر ظرفیت انسانی لطمات جبران‌ناپذیری بر زندگی کنونی مردم و همچنین آینده جامعه ایران وارد ساخته است.

تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی و اخراج بی‌رویه استادان، دانشجویان، همچنین رفتاری که در مورد دبیرستان‌ها و سایر مؤسسات آموزشی و بطور کلی جامعه فرهنگی در پیش گرفته‌اند؛ آنچنان ضربه‌ای به ظرفیت علمی و فرهنگی کشور وارد آورده است که سالیان دراز هم قابل جبران نخواهد بود. تخطئه ادب و فرهنگ ایران و نابودی آثار فرهنگی، هنری و تاریخی کشور لکه ننگی است که تا ابد بر دامن این عناصر متظاهر به مذهب باقی خواهد ماند. اعدام پزشکان، استادان، گروه‌های بسیاری از دانشجویان، دانش‌آموزان پسر و دختر و آموزگاران که اساسی‌ترین و مؤثرترین نقش را در مبارزه علیه رژیم استبدادی و پیر از فساد پهلوی بر عهده داشتند، جنایت عظیم و آشکاری است که هیچ‌گاه فراموش نخواهد گردید. اکنون که پس از یکسال و نیم تعطیلی دانشگاه‌ها، تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و نظایر آن تظاهر به بازگشائی دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی می‌کنند، موفق به هیچ نوع تغییر اساسی در سازمان آموزشی و برنامه‌های تحصیلی نشده‌اند. آنان طبق یک برنامه حساب شده و تحت عنوان تزکیه اقدام به نابودی و پراکندن ظرفیت انسانی و متخصص کشور در امور علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فنی کرده و با تفتیش عقاید در سطح بسیار وسیع و بطور شدید وحشت دوران قرون وسطائی را بر مجموعه سازمان‌های کشور مستولی ساختند.

رفتار وحشیانه نسبت به قشر زنان بخصوص در ادارات، محافل عمومی، هتک حرمت آنان نمونه کامل سقوط کشور در منجلاب بربریت و خشونت است. در تاریخ تحولات اجتماعی بشر چه مذهبی و چه غیر مذهبی بکرات دیده شده که انقلابات سیاسی و اجتماعی موجب تغییرات ناگهانی و وسیعی در چگونگی طرز تفکر و اندیشه و روش و کردار جماعات کثیری از اجتماعات بشری گردیده است. مبارزات طبقات و قشرهای مختلف ملت ایران در انقلاب سال ۱۳۵۷ بهترین نمونه را در این امر بدست می‌دهد. در آن سال کار کارمندان دولت بخصوص کارکنان وزارت دارائی که بعضی از آنان در معرض انتقاداتی قرار داشتند، یکی از مؤثرترین نقش‌ها را در مبارزه علیه رژیم استبدادی شاه برعهده گرفتند. چه کسی می‌تواند نقش کارگران و تکنسین‌ها و مهندسان توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای را از یاد برد؟!

مبارزات طبقات و قشرهای مختلف که نمونه‌هایی از آن ذکر گردید وسیع‌ترین و عمومی‌ترین مبارزه انقلابی در تاریخ تحولات میهن ما محسوب می‌شود و علاوه بر آنکه سبب ایجاد وحدتی بی‌نظیر، همبستگی و همدلی عمیق و عمومی میان همه قشرهای جامعه شد. موجب یک تغییر اساسی در طرز تفکر، اعمال و رفتار عموم مردم گردید. در واقع تصفیه و تزکیه فردی و اجتماعی در کمترین زمان و به بهترین وجه و در جامع‌ترین ابعاد آن انجام گرفت. بجای آنکه افراد تک تک و جدا از هم و منفرد از یکدیگر تربیت و تزکیه شوند، تا در طول زمان و برحسب اصلاح انفرادی آنان اجتماع تکامل یابد و به‌طرف صلح و سلامت پیش رود، امری که در طول تاریخ تا کنون نمونه‌ای از آن دیده نشده است، در انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، مانند همه انقلابات، تحولات عمیق، عظیم جهانی و بلکه بهتر و بیشتر از آن بر اثر تحول و تغییر ناگهانی اجتماع، تزکیه و اصلاح افراد با سرعت و بطور واقعی و عمیق انجام یافت، در مدت کوتاهی سراسر میهن انقلابی ما را فراگرفت. این تأثیر آن‌چنان مهم و عظیم بود که بطور مستقیم و فوری حتی در مجرمان سابقه‌دار نیز اثر گذاشت و در ماه‌های پرشور مبارزات و حتی هفته‌های بعد از پیروزی انقلاب با وجود آزادی ناگهانی همه زندانیان و مجرمان و متلاشی شدن سازمان‌های انتظامی و پخش سلاح گرم در دست عموم، گزارش‌های عمده‌ای از وقوع جرائم بدست نیامد. علاوه بر این برخورد صمیمانه کارکنان و مسئولان دولتی با مردم و رفتار دوستانه از ناحیه مقامی، همچنین محدودیت و حتی ترک زندگی تجملی و مصرفی از طرف خود مردم و بدون صدور دستور از ناحیه مقامی، همچنین محدودیت و حتی ترک بسیاری از تفریحات و تجملات عمومی و آلودگی‌ها و اعتیادات از موارد قابل ذکری است که تغییر طرز تفکر و روش و کردار فردی و اجتماعی افراد ملت را در آن دوران به‌خوبی نشان می‌دهد. به این موارد باید کمک و همراهی همه مردم و خانواده‌ها با یکدیگر در شرایط سخت زمستان سال ۱۳۵۷ و زمان کمبود کالاهای مورد نیاز اضافه شود. به‌خصوص همگامی، همفکری، کمک‌های ذی‌قیمت بازاریان شرافتمند تهران و شهرستان‌ها، اصناف و پیشه‌وران همه شهرهای ایران به‌نحوی بود که مسئله کمبود و یا گرانی اجناس به‌عنوان یک عامل منفی در جریان مبارزات مردم به‌میان نیامد. علاوه بر آنکه دخالت و شرکت مستقیم بازاریان و اصناف در متن مبارزات انقلابی و کمک‌رسانی به مبارزان یک عامل بسیار مهم برای پیروزی انقلاب بشمار می‌رود.

بازاریان و اصناف نه تنها در انقلاب سال ۱۳۵۷ بلکه در طول مبارزات آزادی‌خواهی و ملی همیشه یکی از ستون‌های استوار ملت علیه بیدادگری و ظلم بشمار میرفته‌اند و همواره در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی با استقامت و مردانگی به مبارزه برخاسته‌اند.

ولی هیأت حاکمه فعلی که لباس مذهب بر تن کرده است و با اغفال مردم و چه بسا با تمهیداتی که قرائن و امارات آن مدت‌هاست برملاگشته، عناوین حکومت را به‌چنگ آورده است، این واقعیات را ندیده گرفت. به‌منظور طرد همه قشرهای آگاه و مطلع جامعه و برای هموار ساختن جاده حکومت و قدرت به سلاح تصفیه متوسل شد و عناوین متعهد و غیرمتعهد - مکتبی و غیرمکتبی - انقلابی و ضد انقلابی و نظایر آن را بطور وسیع در سطح جامعه مطرح ساخت و با چماق تکفیر، اتهام و افترا به جنگ کسانی رفت که احتمالاً مانعی در راه سلطه استبدادی آنان به‌شمار می‌روند. این هیأت حاکمه جابر و ستمگر در برابر مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در جامعه وجود دارد جز دروغ و اعدام راه‌حل دیگری را ارائه نمی‌کند. دروغ برای امیدواری طرفداران و اعدام برای نابودی دیگران! این عناصر در برابر هر مسئله و یا مشکلی که در جامعه مطرح می‌شود با استفاده از بلندگوها، اوراق روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی که به‌ناحق و به‌زور در اختیار گرفته‌اند، به‌جای ارائه راه‌حل‌های اقتصادی، یا اجتماعی و یا سیاسی و یا فرهنگی و یا غیره فریاد اعدام و نابود بلند می‌کنند و از کمی اعدام‌ها و نابودی‌ها به شکوه و شکایت می‌پردازند.

بر اثر افکار، تبلیغات، اعمال و اقدامات و عملکرد این عناصر، امروز روحیه خون‌خواری، انتقام‌جویی، دشمنی، کینه‌توزی، سوءظن، عصبیت، ستمگری و نفرت جای صمیمیت، انصاف، دوستی، همکاری، همفکری و انعطاف و رفاقت و وحدت دوران انقلاب را گرفته است. یک ملت واحد، متفق و انقلابی را متفرق و به دشمنانی خون‌خوار مبدل ساخته است. وقتی بر اثر حادثه و یا برخورد مسلحانه یک یا چند نفر از میان می‌روند و جمعی به عزاداری می‌نشینند، جمعی دیگر به شادی می‌پردازند و از خدا می‌خواهند که کشتار و نابودی بقیه آن افراد را هرچه زودتر عملی سازد! چنین سقوط اجتماعی و اخلاقی تاکنون در هیچ اجتماع بشر متمدن دیده نشده است. آری، اگر کشتار و اعدام و نابودی به‌عنوان مهم‌ترین و بلکه به‌عنوان تنها راه‌حل مسائل جامعه انسانی بر جو اجتماع کشور فرهنگ‌پرور و محبت‌خیز ایران حاکم شده است، این ره‌آورد گروهی است که به‌عنوان انقلاب و به‌عنوان مذهب و در جامه نمایندگان «الله» می‌خواهند سیطره حکومت استبدادی خود را مستقر سازند. در یک تحلیل علمی - اجتماعی و با توجه به مجموع حوادث و تغییرات، تحولات تاریخی و مذهبی در ایران و منطقه خاورمیانه می‌توان نتیجه گرفت که این عناصر خُلق و خوی و کردار مذموم اعراب بدوی دوران جاهلیت قبل از اسلام را که در کینه‌توزی - انتقام، عصبیت، غارت و کشتار تجلی می‌کرد، همراه با دروغ و تقلب و فساد و تزویری که زائیده نظام سرمایه‌داری است یکجا در خود جمع کرده و بر اجتماع ما حاکم گردانیده‌اند.

هموطنان شرافتمند! ایرانیان رنجیده و ستم‌کشیده!

اگر بخواهیم همه دردها و تمامی مصائب و همه نتایج سوء حکومت این هیئت حاکمه جابر را بازگو کنیم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. شرح غارت اموال، وجوه دولتی و عمومی و همچنین تاراج اموال مردم و فساد دزدی و رشوه‌خواری و تجاوز به حریم زندگی و ناموس خانواده‌ها و شکنجه و آزار مردم چه در معابر و کوچه‌ها و چه در کمپته‌ها و دادسراها و دادگاه‌های انقلاب و چه در زندان‌ها و حتی بر سر مزار اعدام‌شدگان و شرح اهانت‌ها، تهمت‌ها و افتراها و تکفیرها مطالبی نیست که بتوان حتی رئوس آنرا در اوراق مختصری ذکر کرد. اگر بخواهیم تنها به تشریح وضع اقتصادی کشور بپردازیم و از بیکاری فزاینده و هزینه زندگی و گرانی روزافزون اجناس و کمبود کالاهای اساسی سخن به میان آوریم و بگوئیم چگونه روش حاکمان سوار بر قدرت در سه سال اخیر تولیدات صنعتی و کشاورزی را به‌نابودی کشانده و فقر و بدبختی را در خانواده‌های کارگری و دهقانی دوچندان کرده، باید روزها و شب‌ها از سخن باز نایستیم. اگر بخواهیم از برنامه‌گروگانگیری کارکنان سفارت آمریکا سخن به میان آوریم و بگوئیم که برای بدست گرفتن قدرت انحصاری حکومت چگونه ذخایر ارزی کشور ما را تسلیم سرمایه‌داران آمریکائی کردند و ادعاهای واهی و مطالبات غیرواقعی و یا سوخت‌شده آمریکائیان را زنده ساختند و امکان دارند تا آمریکا بتواند در تمام دنیا و به‌خصوص در خاورمیانه بصورت بلامنازع حاکم شود و عرض‌اندام کند و زیر پوشش فحش و ناسزا علیه آمریکا عملاً چه خدماتی به نفع امپریالیسم آمریکا انجام داده‌اند، باید صفحات بیشماری را برنگ دل این حاکمان ستمگر سیاه کنیم. آیا می‌توانیم درباره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فداکاری‌ها و شهادت فرزندان این آب و خاک در برابر دشمن متجاوز سخنی به میان نیاوریم؟! یا درباره تضعیف ارتش و صدماتی که عمداً و طبق نقشه بر قدرت دفاعی کشور وارد آوردند ساکت بمانیم! از اهانت و تعقیب و اعدام و توطئه علیه افسران میهن‌دوست و افراد سازمان‌های نظامی و انتظامی که در راه انقلاب قدم برداشتند و همراه ملت باقی ماندند چیزی نگوئیم!

هموطنان شرافتمند!

علی‌رغم مشکلات عظیم اقتصادی و علی‌رغم فشار روحی و شکنجه روانی و علی‌رغم خطراتی که هر روزه همه ما و خانواده‌های ما و هموطنان ما را بطور جدی تهدید می‌کند، نباید از خاطر ببریم که وضع نابسمان و پریشان فعلی نتیجه یک دوران طولانی تسلط استبداد و نفوذ استعمار بوده است. ما اگر علل و عوامل وضع دلخراش امروز میهن خود را فراموش کنیم و یا به‌علت عصبانیت و سرخوردگی که از نابسامانی‌های روزمره داریم، همه علل را فقط در حوادث سه سال اخیر جستجو نمائیم، بزرگترین خیانت را به خود و به نسل‌های آینده روا داشته‌ایم. چه کسی می‌تواند انکار کند که جهل و ناآگاهی قشرهایی از توده‌های مردم مهم‌ترین عامل سوءاستفاده متظاهران به مذهب برای بدست آوردن قدرت بوده است. چه کسی می‌تواند انکار کند که عناصر عقب‌مانده اجتماعی پاهای خود را فقط بر دوش افرادی از جامعه می‌گذارند که تشخیص مصالح و منافع خود و دیگران را در دنیای امروز نمی‌دهند و بر اثر تعصب و یا ناآگاهی تحت‌تأثیر تبلیغات و تلقینات آنان به‌راه ناصواب می‌افتند. آیا این ناآگاهی و جهل زائیده روش حکومتی نیست که با اختناق و خفقان امکان هر نوع برخورد افکار و آشنائی نسل‌های جوان را در مدت ۲۵ سال قبل از انقلاب از آنان سلب کرد؟! چنان‌چه امروز نیز هیأت حاکمه جدید برای جلوگیری از آگاهی همین افراد سانسور و اختناق شدید را در تمامی شئون کشور برقرار کرده است. آیا ما نباید علل اساسی بدبختی و سیه‌روزی خود را در نظام استبدادی و فاسد سابق جستجو کنیم و این پدیده سیاه‌روی و منفور دوران گذشته را بطور واضح به مردم بشناسانیم؟! از نتایج وخیمی که سلب آزادی ملت در آینده برای بار دیگر به‌همراه خواهد آورد، همگان را آگاه و بیدار سازیم. ما موظفیم هم‌اکنون نیز مفهوم روشن و واضحی از استبداد، استعمار، آزادی و دموکراسی را برای همگان عرضه کنیم و جهتی را که وطن‌خواهان و افراد شایسته باید به جماعات مختلف برای تأمین سعادت عمومی نشان دهند، همواره تکرار نمائیم.

استبداد یعنی آنکه شخص یا اشخاصی با زور بر جامعه مسلط شوند و حکومت کنند و ملت را به نفع خود و اطرافیان و عوامل خویش مورد بهره‌برداری قرار دهند. استعمار یعنی آنکه یک کشور بیگانه یک کشور بیگانه بطور مستقیم و یا توسط عامل و یا عوامل خود کشور دیگر را در اختیار بگیرد و از آن بهره‌برداری کند و سرنوشت ملت را در جهت منافع خویش تعیین نماید.

امروز ثابت شده است که در اوضاع و احوال فعلی جهان و در کشورهای ضعیف هیچ کشور استعماری نمی‌تواند بدون تکیه بر یک یا چند کشور قدرتمند اقتصادی به حیات خود ادامه دهد و همچنین هیچ کشور استعماری نمی‌تواند جز از طریق حکومت استبدادی نفوذ خود را بر کشور ضعیف تحمیل کند و به بهره‌کشی ادامه دهد.

دموکراسی و آزادی و حکومت ملی یعنی نظامی که در آن ملت تصمیم می‌گیرد که بتواند آزادانه حکومت دلخواه خود را انتخاب کند و این انتخاب میسر و عملی نخواهد بود، مگر آنکه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور وجود داشته باشد و حقوق سیاسی و اجتماعی همه مردم، به‌خصوص افراد و گروه‌های مخالف رعایت و حفظ شود. جنگ، نزاع و مبارزه‌ای که بیش از یک قرن جامعه ما را به خود مشغول داشته بر سر این است که در این کشور چه کسی باید درباره سرنوشت ملت و همه امور تصمیم بگیرد. اگر قرار است ملت راجع به خودش تصمیم بگیرد، باید آزاد باشد و هیچ عاملی نتواند بزور بر او مسلط گردد، یا جبر و فشار، در تصمیم او تأثیر بگذارد و اگر آزادی نباشد، ملت دیگر حاکم بر سرنوشت خود نخواهد بود و جنگ بین قدرتمندان تکلیف او را معین خواهد کرد، همان اوضاعی که خود و پدرانمان سالیان دراز شاهد و ناظر بوده‌ایم.

آنانکه آزادی سیاسی و اجتماعی را به آزادی در لهو، لعب و آزادی در اعمال هوی و هوس تعبیر می‌کنند و بدین‌ترتیب در مقام نفی و طرد آن برمی‌آیند اینان، آگاهانه و یا ناآگاهانه دشمن ملت‌اند و در راه یک نوع استبداد قدم برمی‌دارند. آنان که با انقلابی‌نمائی هرچه غربی و خارجی است، مطرود می‌شمارند و خود را دشمن آن بشمار می‌آورند و یکباره در میان این همه اصطلاحات علمی و اجتماعی به‌یاد کلمه «لیبرالیسم» می‌افتند. این لفظ را که در واقع یک پدیده اجتماعی دنیای غرب بوده و در تحولات اخیر ایران مصداق و مفهومی پیدا نکرده است، مورد توجه آزادی‌خواهان و وطن‌خواهان قرار نگرفته بطور وسیع در جامعه مطرح می‌سازند. اینان نیز طرفدار یک نوع حکومت استبدادی، استبداد بسیار خشن بوده و بطور جدی مخالف حکومت ملت‌اند. اینان بدون آن‌که تجزیه و تحلیل واقعی از مفهوم لیبرال و لیبرالیسم به مردم ارائه دهند، برای مبارزه علیه آزادی ملت یعنی آزادی تصمیم‌گیری مردم همه تهمت‌ها و افتراها را در غالب حمله به لیبرالیسم و آزادی وارد می‌سازند.

همه تهمت‌ها و افتراها را در غالب حمله به لیبرالیسم و آزادی وارد می‌سازند. آنان که هنگام طرح مسئله آزادی یعنی آزادی تصمیم‌گیری ملت، یعنی آزادی بیان عقاید سیاسی و اجتماعی یعنی آزادی گفتار و مطبوعات، یعنی آزادی اجتماعات و سایر مصادیق آزادی‌های سیاسی و اجتماعی یک‌مرتبه به یاد آزادی در مفهوم طبقاتی آن می‌افتند و مطالبی را که فقط در کتاب‌ها میتوان جستجو کرد، در جامعه مطرح می‌سازند و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی عموم ملت را در بیان عقاید و آراء، به آزادی استثمارکننده، ستمگر و زورگو و آزادی سرمایه‌داری تعبیر می‌کنند، اینان نیز دانسته یا ندانسته، آگاه و یا ناآگاه، طرفداران و حامیان یک نوع استبدادند که چون نمی‌توانند بطور صریح از آن استبداد حمایت کنند مفهوم آزادی را تغییر می‌دهند و تعبیر می‌کنند و سپس آن را رد کرده و محکوم می‌سازند.

کسانی هم که آزادی را به بی‌بند و باری و هرج و مرج حکومتی تعبیر می‌کنند و از هم‌گسیختگی اجتماعی را از موارد آزادی و یا از نتایج آن بشمار می‌آورند، نیز در راه استبداد قدم برمی‌دارند و می‌خواهند حکومت زور و خشونت را برقرار سازند. اینان مفهوم آزادی را تغییر داده و از راه جعل و تغییر، به جنگ آزادی می‌روند.

نظر به اینکه هر گونه حکومت استبدادی در اوضاع و احوال فعلی جهان بدون وابستگی به کشورهای استعماری قابل دوام نیست، استبداد عامل عمده وابستگی ملت‌ها محسوب میشود. از این‌رو ما معتقدیم که بدون آزادی و بدون حکومت ناشی از اراده مردم، استقلال واقعی ایران قابل تحصیل و تأمین نمی‌باشد. به این دلایل جبهه ملی ایران مسئله آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم کشور را مهم‌ترین و اصلی‌ترین امری می‌داند که باید در مرکز تصمیم‌گیری همه سازمان‌ها و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی میهن ما که خواهان آزادی و استقلال کشورند، قرار گیرد. همان آزادی که جوهر و هدف اصلی انقلاب ملت ایران در سال ۱۳۵۷ و پیام اصلی نهضت ملی ایران بوده است. هرگونه قید و بندی برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ملت و هرگونه شرط و یا شروطی برای جلوگیری از اظهار عقیده مخالفان سیاسی حکومت، موجب محدودیت اختیار ملت و برقراری یک نوع استبداد دیگر خواهد بود. ما معتقدیم که حدود همه آزادی‌ها را قانون معین خواهد کرد و قانون تصمیمی است که نمایندگان ملت که بطور آزادانه انتخاب شده باشند اتخاذ خواهند نمود. ولی هیچ نوع قانون و هیچ نوع تصمیمی نباید حق بیان عقیده و اظهار نظر سیاسی و اجتماعی مردم را از هیچ قشر و طبقه ای ممنوع و یا محدود سازد.

جبهه ملی ایران معتقد به قدرت قانونی دولت و حکومت است و معتقد است که برای برقراری نظام قانونی در جامعه و برقراری امنیت واقعی و پیشرفت کشور، ترقی و سازندگی جامعه همه مصادر و سازمان‌های حکومتی باید از قدرت و قوت لازم و کافی قانونی برخوردار باشند. ولی ما به این امر اساسی و حیاتی بطور مستمر و دائم تکیه می‌کنیم که قدرت قانونی حکومت و دولت به هیچ وجه بهانه و با هیچ مجوزی موجب لغو و یا نقض و یا محدودیت آزادی‌های اساسی ملت گردد.

جبهه ملی ایران معتقد است در صورت برقراری حکومت مردم، به‌منظور جبران ضایعه تاریخی عظیمی که بر ملت ما وارد آمده است، تأمین امنیت واقعی، ایجاد محیط تفاهم و همکاری در اجتماع و به‌خصوص فراهم ساختن موجبات سازندگی و پیشرفت در همه زمینه‌های زندگی مردم، اعاده روحیه اعتماد و تقویت معنویت باید وجهه همت آزادی‌خواهان و میهن‌دوستان قرار گیرد و وصول به این هدف‌ها میسر نخواهد گردید، مگر آنکه حکومت قانونی مقتدر ناشی از اراده آزاد مردم، اداره کشور را بر عهده گیرد و حقوق و آزادی‌های سیاسی ملت بدون هیچ نوع قید و شرطی رعایت شود.

جبهه ملی ایران که همراه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی را سرلوحه مرام و هدف‌های خود قرار داده است و عدالت اجتماعی را همانند آزادی و استقلال با مفهوم روشن بیان داشته و مشخص ساخته و از اصول و مبانی ایدئولوژی ملی و مترقی خود می‌داند، با این‌همه اعتقاد دارد که در اوضاع و احوال جاری باید مسئله آزادی و نظام دموکراسی و برقراری حکومت مردم را به‌عنوان عمده‌ترین مسئله کنونی ایران مدنظر قرار دهد.

به‌همین دلیل ما با مسئولیتی که برای زندگی خود و فرزندان خود و نسل‌های آینده قائلیم، نمی‌توانیم تحت تأثیر رنج، ستم و مصیبت‌های عظیمی که در این زمان بر مردم میهن ما وارد آمده است، اصلی‌ترین، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسئله مربوط به تاریخ ایران، مربوط به آینده ایران و مربوط به تعیین سرنوشت ملت، به‌دست ملت و تأمین امنیت واقعی که فقط در نظام مبتنی بر دموکراسی و رعایت حقوق و آزادی‌های سیاسی عموم ملت میسر خواهد بود، صرف‌نظر نمائیم.

از این‌رو ما از همه مبارزان راه آزادی و استقلال کشور و از همه سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و از شخصیت‌های ملی، سیاسی، اجتماعی و از همه نویسندگان و متفکران و دانشمندان و از همه جوانان و از همه زنان و مردان شرافتمند ایران دعوت می‌کنیم که صرف‌نظر از عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و برنامه‌ها و روشی که برای آینده ایران در نظر دارند، برقراری نظام دموکراسی و قبول حکومت ملت و اجرای اصل آزادی‌ها و حقوق سیاسی و اجتماعی ملت را به‌عنوان عمده‌ترین و حیاتی‌ترین هدف خود در سرلوحه مرام و اقدامات خویش قرار دهند.

بدین ترتیب جبهه ملی ایران دست دوستی خود را به طرف اشخاص و افراد و سازمانهای دراز می‌کند که نه تنها در حرف بلکه در عمل بدین هدف والای انسانی پایبند و معتقد و مؤمن باشند و صرف نظر از سایر اعتقادات و اختلاف در ایدئولوژی صمیمانه برای استقرار نظام دموکراسی و دولت ناشی از اراده آزاد ملت کوشش نمایند. ما هر نوع اختلاف مسلکی و تضاد ایدئولوژیک را در اوضاع و احوال فعلی مانع همکاری و همفکری و همقدمی در راه برقراری آزادی و استقلال ملی بشمار نمی‌آوریم.

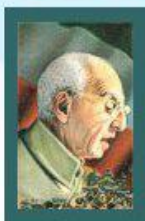
هم‌میهنان مبارز!

گرچه امروز ما نمی‌توانیم بر امکانات مادی و فنی کشور خود تکیه کنیم و به جنبه معنوی اجتماع بزرگ میهن ما نیز صدمات شدیدی وارد گردیده و مصائب و فجایع بعدی به‌حدی است که سخن یارای شرح و وصف آن را ندارد. ولی ما موظفیم با تکیه بر شرافت انسانی خود و با الهام از قهرمانی‌های پدران و نیاکان خویش که در برابر هجوم دشمنان این مرز و بوم بی‌پاخاستند در برابر مصیبت‌ها و مشکلات همچنان به مقاومت ادامه دهیم و بر عهد و پیمان خود بی‌امان پایبند باشیم. علی‌رغم خفقان و استبداد ملت پیروز خواهد شد.

تهران - بهمن‌ماه ۱۳۶۰
جبهه ملی ایران

هموطنان شرافتمند!

در این شرایط خفقان در توزیع و تکثیر هر چه
بیشتر اعلامیه‌های جبهه ملی ایران اقدام کنید.



Jebhe Melli IRAN

جبهه ملی ایران

